

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: ا. م. شیری
۱۰ دسمبر ۲۰۱۶

الکساندر یاکوفلیف مأمور سیا بود و گوربچوف از آن اطلاع داشت

۱

پیشگفتار برگرداننده:

در ۲۵-مین سالگرد "پیروزی انقلاب رنگی" در اتحاد شوروی و یا به عبارت دقیق‌تر، به مناسبت سالگرد سرکوبی انقلاب کبیر اکتوبر و محوردهای آن، بخش مختصری از مطالعات و جست‌های خود را در چند قسمت به جست و جوگران وقایع و حقایق تاریخی تقدیم می‌دارم. بخش نخست، به معرفی برخی عوامل اجرائی^(۱) "انقلاب رنگی" پرداخته است. باشد که مفید فایده واقع شود.

ا. م. شیری

(قسمت اول)

مصاحبه با سرهنگ آ. آ. سوکولوف* (Sokolov)

الکساندر یاکوفلیف مأمور سیا بود و گوربچوف از آن اطلاع داشت

اداره کل یکم وزارت امنیت ملی از هنگامی که ریاست آن را ولادیمیر الکساندروویچ کریوچکوف، وزیر بعدی امنیت ملی به عهده گرفت، به کدام موفقیتها دست یافت؟

سرهنگ الکساندر الکساندروویچ سوکولوف، مأمور باسابقه اداره ضداطلاعات خارجی موافقت کرد به یکسری سوالات مرتبط با این موضوع پاسخ بدهد.

– الکساندر الکساندروویچ، به عقیده شما، آیا کار اداره کل یکم وزارت امنیت ملی اتحاد شوروی در دوره ریاست و. آ. کریوچکوف نسبت به دوره ریاست سلف او بهبود یافت، اگر آری، چگونه او موفق شد؟

– کار اداره کل یکم در دوره ریاست ولادیمیر الکساندروویچ کریوچکوف به مراتب بهتر از قبل شد. این واقعیت را اسناد مرکز مطالعاتی سیاستهای وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا "در امور کادرها" تحت عنوان "جاسوسی علیه امریکا به واسطه شهروندان امریکائی از سال ۱۹۵۷ تا ۲۰۰۱"، منتشره در ماه جولایسال ۲۰۰۱ در امریکا نشان می‌دهد. در آن اسناد در مورد آن دسته از شهروندان امریکائی مظنون به جاسوسی علیه کشور خود، از جمله، از آنهایی که برای ضد اطلاعات اتحاد شوروی کار می‌کردند، سخن گفته می‌شد. اداره کل یکم ۲۶ نفر در سال ۱۹۷۰ استخدام کرد، تعداد

استخدامی‌های سال ۱۹۸۰ نیز ۶۴ نفر شهروند امریکا بود. ۲۲ تبعه دیگر امریکا در سال ۱۹۹۰ برای همکاری با اداره کل یکم وزارت امنیت ملی اتحاد شوروی موافقت کردند، اما اداره ضداطلاعات خارجی روسیه در سال ۲۰۰۰ تنها به استخدام یک شهروند امریکا موفق شد!

- بیشتر استخدامی‌ها از میان کدام گروه شهروندان ایالات متحده امریکا بودند: از میان مأموران سازمان "سیا" یا سیاستمداران امریکانی؟ و اساس استخدام آنها در اداره کل یکم ایدنولوژیک بود یا مالی؟

- پاسخ پرسش شما را اینطور می‌دهم: هنگامی که منابع اطلاعاتی خارجی در این باره اطلاعاتی منتشر می‌کردند که تشکیلات امنیت ملی (ک. ب. گ. ب.) پول بسیار خوبی به مأموران خود می‌پردازد، ولادیمیر الکساندویچ کریوچکوف به عملیات ویژه‌ای دست می‌زد! او پس از این، افرادی از محافل امنیتی و سیاسی امریکا خودشان به همکاری با اداره تجسس وزارت امنیت ملی اتحاد شوروی اظهار علاقه مندی می‌کردند. ۹۴ داوطلب که ما آنها را گروه ابتکار می‌نامیم، موافقت خود را برای کار در اطلاعات ما اعلام کردند، تشکیلات ما ۵۴ تن از آنها را برای کار اطلاعاتی مناسب تشخیص داد. اولدریچ ایمس، دیوید بارنی و ادلی مور جزو داوطلبان موافق همکاری با اطلاعات وزارت امنیت ملی بودند.

- کار اداره کل یکم با اجیرشدگان روشن است، پس مأموران نهادهای امنیتی امریکا شهروندان کشور ما را چگونه اجیر می‌کردند؟

- فقط بر اساس مادی، مانند مورد همکاری اداره کل یکم مأمور در امریکا -و. مارتینوف از دفتر "تی" (اطلاعات علمی -فنی) اداره کل یکم و س. ماتورین از دفتر "آ" (اقدامات فعال) که تحت نظر اف بی آی قرار گرفتند. یکی از اینها ودکا و سیگار از مغازه سفارت را به قیمت پائین خریداری می‌کرد و آنها با قیمت بالاتر در کافه‌های امریکا می‌فروخت. و یا بازهم احمقانه‌تر، از شهروندان امریکائی پول قرض می‌گرفت، که احتمال داشت پای او را به ضداطلاعات امریکا -اف بی آی بکشاند.

- مأموران شما چه توصیه‌هایی، اعم از سیاسی تا مقابله احتمالی با جاسوسی اداره کل یکم در قلمرو امریکا به شما می‌کردند؟

- مثلاً، اگر این اولدریچ ایمز، رئیس شعبه ضدجاسوسی سازمان سیا، یا هانسن، مأمور اف بی آی در وزارت خارجه امریکا بود، آنها می‌توانستند اطلاعات بسیار حساسی در خصوص احتمال اقدام مأموران مخفی سازمان سیا علیه اداره کل یکم به ما بدهند. اگر این چون واکر، افسر اجیر شده ستاد فرماندهی ناوگان زیردریائی در منطقه آتلانتیک توسط من بود، او می‌توانست اطلاعاتی به ما بدهد که می‌توانستیم به محل استقرار، تعداد و هدف تحت البحری "تریاد" و سایر ناوهای جنگی امریکا در آنجا پی ببریم و بدانیم که آنها تا کی در آنجا مستقر خواهند بود و وظایف روزانه آنها چیست. کسانی که بعدها واکر را به مثابه جاسوس وزارت امنیت ملی افشاء کردند، از کار او در اداره کل یکم چنین ارزیابی داشتند که اگر رویارویی نظامی بین امریکا و اتحاد شوروی روی می‌داد، با توجه به همه اطلاعاتی که ما از این ناوگان بحری امریکا در دست داشتیم، اتحاد شوروی در آن جنگ پیروز می‌شد و اگر خدای ناکرده جنگ اتمی بین امریکا و اتحاد شوروی اتفاق می‌افتاد، در این حالت نیز ما می‌توانستیم ضربات دقیق به نیروی دریائی امریکا وارد آوریم و حتا در جنگ اتمی پیروز شویم!

در عین حال، اولدریچ ایمز با توجه به این که به همه آرشیه‌های سازمان سیا دسترسی داشت، فهرست همه جاسوسان اتحاد شوروی را که به واسطه مأموران سازمان مخفی آمریکا از سالهای دهه سی اجیر شده بودند، تحویل می‌داد. وزارت امنیت ملی در اثر کمکهای ایمز موفق شد صفوف مأموران خود را پاکسازی نماید.

- و شناسائی جاسوسان سازمان "سیا" در میان مأموران اطلاعات یا ضداطلاعات وزارت امنیت ملی اتحاد شوروی با کدام دشواریها همراه بود و این کار در اداره "کا" تا زمانی که با اداره کل یکم به ریاست و. آ. کریوچکوف ادغام گردید، چه مدت طول کشید؟

- البته، انجام این کار سخت در همه ادارات ضدجاسوسی وزارت امنیت ملی مدت زیادی طول کشید. حداقل همان اولگ گالوگین، جاسوس سازمان "سیا" را در نظر بگیرید. همکاران ما در سال ۱۹۷۹ او را به عنوان جاسوس سازمان "سیا" شناسائی کردند. برای این کار او به اداره لنینگراد وزارت امنیت ملی اتحاد شوروی منتقل گردید. زیرا، آن اداره در کار ضدجاسوسی بسیار قوی بود. اما مسأله این است که در کار اجیر کردن کالوگین به واسطه سازمان سیا نکات ناروشنی وجود داشت، که فکر می‌کنم تشکیلات امنیتی کشور ما آنها را روشن خواهد کرد!

- می‌توانید در باره مشکلاتی صحبت کنید که مانع دستگیری اولگ کالوگین به عنوان جاسوس در حین ارتکاب جرم برای اثبات جاسوسی او به نفع سازمان "سیا" شدند؟

- در آن هنگام در لنینگراد مایکل گریزسکی، سرکنسول سفارت ایالات متحده آمریکا در اتحاد شوروی بود. عوامل اداره کل یکم مأمور در آمریکا او را به عنوان جاسوس رسمی -مأمور سازمان "سیا"ی آمریکا شناسائی کردند. پس از آن، اداره کل یکم مدارک حاکی از تأیید گریزسکی به عنوان جاسوس آمریکا را به اداره کل دوم فرستاد. اما این اسناد نه فقط به دست ریاست شعبه ضدجاسوسی اداره کل وزارت امنیت ملی در لنینگراد نرسید، حتی تا به شعبه اول اداره کل دوم هم که مسؤول مقابله با فعالیت‌های سازمان "سیا" در قلمرو اتحاد شوروی بود، راه نیافت!

من شخصاً با رئیس شعبه اول اداره کل دوم ضدجاسوسی صحبت کردم. او اظهار داشت که مایکل گریزسکی را نمی‌توان مأمور سازمان "سیا"ی آمریکا دانست، زیرا، او با چنین پوششی مانند سرکنسول آمریکا، نمی‌تواند جاسوس آمریکا باشد! اما در رابطه با کالوگین تا حدی که من می‌دانم، او زمانی که نایب رئیس اداره کل وزارت امنیت ملی اتحاد شوروی در لنینگراد بود، با گریزسکی به طور آشکار رابطه داشت. اما متأسفانه، ضداطلاعات ما مایکل گریزسکی را نه به عنوان جاسوس، بلکه، به عنوان دیپلمات شناسائی کرده است!

- پس تحقیقات، به مثابه دیپلمات، ضعیف‌تر از به عنوان مأمور مشخص به عمل آمد؟

- بلی، البته، آن را مأموران اداره نظارت خارجی انجام دادند، اما نه آنقدر پیگیر، مانند مأمور مشخص -به طور شبانه روزی.

- آیا متقاعد کردن رهبری وزارت امنیت ملی در این که مأموران بلندپایه اطلاعات اتحاد شوروی ممکن است جاسوس سازمان "سیا" باشند، برای ولادیمیر الکساندروویچ در دوره ریاست خود بر اداره کل یکم آسان بود؟

- برای این که صحبت من بی‌اساس تصور نشود، مثالی ذکر می‌کنم. زمانی که ولادیمیر الکساندروویچ رئیس تجسس وزارت امنیت ملی بود، برای تشخیص کیستی ادوارد لی هاوارد، اخراجی از سازمان "سیا"ی آمریکا به علت اقامت در

اتحاد شوروی، خودش به وین، پایتخت اتریش سفر کرد. به همین ترتیب نیز ولادیمیر کریوچکوف هنگام دیدار با یک مأمور مهم اداره کل یکم در پاریس اطلاعاتی دایر بر این که مأمور بلندیایه سازمان "سیا" در اداره کل یکم فعالیت می‌کند، به دست آورد و به تبع آن، تعدادی از کارکنان اطلاعات نظامی ستاد کل نیروهای اتحاد شوروی به موضوع تحقیقات بدل شدند.

علاوه بر آن، در باره آن کسی که کریوچکوف به رهبری وزارت امنیت ملی اطلاع داد، سرتیپ اداره کل یکم، د. پالیاکوف بود. در مقابل آن، تسینف، معاون اول وزیر امنیت ملی اتحاد شوروی به ولادیمیر کریوچکوف گفت که ممکن نیست جنرال خائن باشد. به این ترتیب، به دستور تسینف تحقیقات در مورد پالیاکوف متوقف گردید که در نتیجه آن، او پس از شناسائی توسط مأموران ما پنج سال به همکاری خود با سازمان "سیا"ی امریکا ادامه داد و حتی چند تن از عوامل مخفی گروه خود را در قلمرو امریکا افشاء کرد!

- یعنی هنگامی که ولادیمیر کریوچکوف جاسوسان سازمان "سیا" در وزارت امنیت ملی را کشف کرد، احتمال داشت مقام و منزلت خود را به مخاطره اندازد؟

- بلی، حق با شماست. زیرا هنگامی که ولادیمیر کریوچکوف در باره کشف جاسوسان سازمان "سیا" در میان مأموران وزارت امنیت ملی به واسطه تشکیلات تحت رهبری خود به و. چبریگوف، وزیر امنیت ملی گزارش داد، او به رئیس اداره کل یکم گفت: "تو چه کار می‌کنی؟ به خاطر چنین گزارشی من و شما را خلع درجه می‌کنند. دیگر مرا با این استنتاجات درگیر نکن!" براستی هم، هر رئیسی نمی‌تواند به کشف جاسوس دشمن در صفوف تشکیلات تحت مدیریت خودش اقدام نماید! اما کریوچکوف موفق شد نه فقط افرادی را که قبل از ریاست خود بر اداره کل یکم، حتا افرادی را که در دوره رهبری او بر اداره تجسس وزارت امنیت ملی اجیر شده بودند، به واسطه مأموران خود کشف نماید.

- در مجموع در دوره رهبری ولادیمیر الکساندراویچ کریوچکوف چند نفر شهروند امریکا که به اطلاعات فوق محرمانه قابل توجه برای اطلاعات وزارت امنیت ملی دسترسی داشتند، به واسطه همکاران شما در اداره کل یکم وزارت امنیت ملی استخدام شدند؟

- اگر به داده‌های همین مرکز مطالعاتی باور کنیم، از سال ۱۹۷۵ تا سال ۲۰۰۰ سازمانهای ضداطلاعاتی امریکا ۴۴۵ شهروند این کشور را به اتهام جاسوسی برای اتحاد شوروی دستگیر نمودند. این رقم بسیار بزرگی در کار استخدام جاسوس برای هر کشوری شمرده می‌شود. ۲۵ درصد آنها مبالغ هنگفتی از اطلاعات ما دریافت نمودند. زیرا، آنها به اطلاعات فوق سری دسترسی داشتند. اما ۴۱ درصد آنها خودشان داوطلب همکاری با کشور ما بودند! و یک نگاه اشتباه این است که در دوره ولادیمیر کریوچکوف همه علاقه مندان به عنوان سرایداران، خدمتکاران و غیره در سفارت استخدام شدند.

من بالاتر گفتم و باز هم تکرار می‌کنم، که پنجاه درصد مأموران استخدام شده توسط همکاران ما اطلاعات فوق محرمانه، ۲۹ درصد اطلاعات سری و در مجموع ۳ درصد (چهار نفر) اطلاعات محرمانه در اختیار داشتند! گذشته از این، چون خدمتکار هم ممکن است معرف فنون ویژه باشد، می‌تواند مفید واقع شود. به همین سبب، آن همکار شما، مانند ل. ملچین که بدون کمتری درکی از کار وزارت امنیت ملی در کتاب خود در باره ولادیمیر کریوچکوف صدر امنیت ملی می‌نویسد، به طور قطع محق نیست.

- پس تحت تأثیر چه کسی، به اعتقاد شما، چنین تحریقاتی به رسانه‌های جمعی اتحاد شوروی و پس از آن روسیه در خصوص کار تشکیلات شما و شخص ولادیمیر کریوچکوف راه یافت؟ به طور مشخص چه کسی خدمات این شخصیت برجسته به کشور را تحریف کرد: غرب یا کسی از رهبری روسیه؟

- در غرب، از قضا، از ولادیمیر کریوچکوف به عنوان یک انسان ماهر در حرفه خودش با احترام نام می‌بردند. این واقعیت حتی از مصاحبه رئیس سابق سازمان "سیا"ی امریکا با رسانه‌ها روشن است. ظاهراً، او تحت تأثیر مبارزه قاطع کریوچکوف با ستون پنجم ایجاد شده در کشور ما، که اتحاد شوروی را ویران نمود، قرار گرفته است! الکساندر یاکوفلیف، که توسط سازمان "سیا" اجبر شده بود و در نتیجه ممانعت گوربچوف از بررسی پرونده او نجات یافت، منبع اطلاعات جعلی بود.

زمانی که اداره کل یک اسناد بسیار جدی دایر بر اثبات الکساندر یاکوفلیف به عنوان جاسوس سازمان "سیا" دریافت کرد، ولادیمیر کریوچکوف موضوع را به میخائیل گوربچوف گزارش داد، او پرسید: یعنی چه، باز هم رد پای اقامت نیویورک یاکوفلیف در امریکا؟ در پاسخ او، کریوچکوف اظهار داشت این پرونده جدید وی است و از گوربچوف اجازه بررسی این اطلاعات را خواستار شد. گوربچوف با یقین به این که مأموران اداره کل یک همین اطلاعات را تأیید خواهند کرد و بی خبر از این که کریوچکوف در نظر داشت اطلاعات را به واسطه مأمور دیگر مورد بررسی قرار دهد، کریوچکوف را از بررسی پرونده منع نمود و از او خواست با خود یاکوفلیف صحبت کند.

ولادیمیر کریوچکوف با او صحبت کرد. با این حال، یاکوفلیف صحبت با وزیر امنیت ملی را چندی قبل از مرگ خود طی مصاحبه‌ای انکار نمود. اما چرنیایف (معاون گوربچوف) در کتاب خود این مصاحبه وزیر امنیت ملی اتحاد شوروی با یاکوفلیف را مورد تأیید قرار داده است! وقتی که کریوچکوف به طور تلویحی به یاکوفلیف حالی کرد که اداره کل یکم اطلاعاتی در تأیید جاسوسی او به امریکا در دست دارد، رنگ او پرید. اما در سایه حمایت گوربچوف بررسی این اطلاعات متوقف گردید. اگر این کار انجام می‌شد، اطلاعات تأیید و پرونده یاکوفلیف به دادگاه احاله می‌گردید که در ادامه به دستگیری و بازجوئی وی منتهی می‌شد...

۱- الکساندر یاکوفلیف (۱۹۲۳-۲۰۰۵): سفیر اتحاد شوروی در کانادا (۱۹۷۳-۱۹۸۳)، مسؤل شعبه تبلیغات کمیته مرکزی (۱۹۸۵-۱۹۸۶)، نامزد عضویت هیأت سیاسی کمیته مرکزی (از ماه جنوری تا ماه جون ۱۹۸۷)، دبیر کمیته مرکزی (۱۹۸۶-۱۹۹۰)، عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (۱۹۸۷-۱۹۹۰)، رئیس حزب سوسیال-دموکرات روسیه (۱۹۹۵-۲۰۰۰).

یاقوفلیف در سال ۱۹۸۵ کمیته‌ای تشکیل داد که دفتر آن در شهرک "نابرتنایا" در حومه مسکو واقع بود. کمیته به رهبری او به کار جعل اسناد و جاسازی آنها در آرشیوهای کمیته مرکزی حزب کمونیست، وزارت کشور، ان.ک.و.د.، ک.گ.ب و دیگر نهادهای حزبی و دولتی اتحاد شوروی مشغول بود. شعب این کمیته تحت عناوین مختلف علمی - تحقیقاتی در همه جمهوریها هنوز هم فعال هستند.

ادامه دارد...

* مأمور باسابقه اداره ضداطلاعات خارجی

<https://kprf.ru/history/date/159594.html>

۱۹ آذر - قوس ۱۳۹۵